

مروری مختصر بر نقش آموزش در علوم مالی

مجتبی ابراهیمی رومنجان، گروه حسابداری، واحد فردوس، دانشگاه آزاد اسلامی، فردوس، ایران

جلال الدین صادقی شهرستانک، عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی واحد خراسان جنوبی

احمد مخمل‌باف، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند

Ahmadmakmalbaf@yahoo.com

چکیده - مطالعه حاضر با استفاده از روش اسناد کاوی و مطالعه متون موجود در حوزه آموزش در علوم مالی به مروری اجمالی بر نقش آموزش در علوم مالی می‌پردازد. مطالعه حاضر در ابتدا نظام آموزش در علوم مالی را معرفی می‌کند و در ادامه عناصر نظام آموزش در علوم مالی، چالش‌ها، جایگاه پژوهش و ضرورت بازبینی و تغییر در نظام آموزش مالی را مورد بررسی قرار می‌دهد و در انتها، در نگاهی اجمالی به بررسی نظام علوم مالی در ایران می‌پردازد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که باید از کشورهای موفق در آموزش علوم مالی الگوبرداری نمود، بدین صورت که آموزش-های علوم مالی را براساس نیازهای بازار، مورد بازنگری قرار داد.

کلمات کلیدی: نظام آموزش، علوم مالی، آموزش علوم مالی، حسابداری، پژوهش در علوم مالی.

مقدمه

از آنجا که منابع انسانی در هر کشور، به عنوان عنصری مهم در موفقیت هر کشور محسوب می‌شود، لذا می‌توان با سرمایه‌گذاری در منابع انسانی از طریق آموزش و فراهم آوردن دانش مورد نیاز جامعه به رشد اقتصادی و شکوفایی جامعه کمک نمود. یکی از دغدغه‌ها و مشغولیت‌های ذهنی متفکران همواره، آموزش علوم و پویایی مسیر و روند آموزش و همچنین استمرار این آموزش‌ها بوده است. در مورد آموزش علوم مالی نیز، هدف اصلی، همان‌طور که جوامع حرفه‌ای نظیر، فدراسیون بین‌المللی حسابداران، ماده ۱۴ اساسنامه جامعه حسابداران رسمی ایران، کمیسیون تغییر آموزش حسابداری و انجمن حسابداران رسمی آمریکا، به آن اشاره نموده‌اند، آماده نمودن دانشجویان مستعد در حوزه علم و عمل برای ورود به حرفه و استمرار این آموزش‌ها پس از ورود به حرفه از طریق تغییرات در نحوه آموزش و آشنایی به فناوری اطلاعات در آموزش‌های مربوط به علوم مالی است. براساس مطالعات

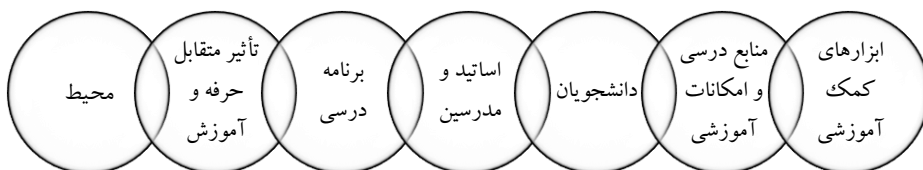
پیشین می‌توان چنین عنوان نمود که، فاصله بین آموزش و کار حرفه‌ای، یکی از مشکلات اساسی در علوم مالی است، که در این رابطه در سطح داخلی می‌توان به مطالعه رهنمای رودپشتی و دیگران (۱۳۸۸) که در آن عدم وجود تعامل مؤثر و سازنده میان مطالعات، آموزش و حرف علوم مالی، یکی از دلایل ایجاد پیامدهای نامطلوب در علوم مالی محسوب می‌گردد، اشاره نمود. در سطح بین‌المللی نیز می‌توان به مطالعه ستایش و منصوری (۱۳۹۱) به نقل از داگلاس و دیگران (۲۰۱۰) که در آن محققان به این نتیجه رسیدند که، در یک آموزش کارا در علوم مالی، نمی‌توان آموزش و تجربه کاری را جایگزین یکدیگر نمود، اشاره کرد. با این وجود فاصله بین آموزش حسابداری و کاربرد آن در محیط کار و نیازهای عملی جامعه، تعامل بیشتر دانشگاه و حرفه را ضروری می‌سازد (ستایش و منصوری، ۱۳۹۱). با توجه به مطالب مطروحه، مطالعه حاضر در ادامه به مروری مختصر بر نقش آموزش در علوم مالی می‌پردازد و در انتها بصورت اجمالی نظام آموزش علوم مالی در ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد.

معرفی نظام آموزش در علوم مالی

در نظام آموزش، اجزا و زیرنظام‌ها به گونه‌ای سازمان یافته است تا در اثر تعامل مداوم، هدف‌های از پیش تعیین شده آموزش تحقق یابد. علوم مالی نیز همانند علوم دیگر در پاسخ به نیازهای اقتصادی و اجتماعی و باتوجه به تغییرات سریع و روزافزون در جوامع بوجود آمده است و دچار تحولاتی نیز گردیده است، چرا که با تقاضای فزاینده‌ای روبرو گردیده است. شیپوریان و دیگران (۱۳۸۷) در مطالعه خود بیان نمودند که، علوم مالی به عنوان یک زیرنظام آموزشی در توسعه اقتصادی کشورها نقش مهمی دارد، چرا که با طراحی نظام‌های اثربخش به گزارشگری مالی مربوط، غیرقابل انکار و بموقع می‌پردازد و به کشورها در موارد: ۱- استفاده از منابع اقتصادی موجود برای بهبود سطح زندگی، ۲- جلوگیری از به هدر رفتن تلاش‌ها و کاهش ضایعات، سرقت و سایر زیان‌های اقتصادی، ۳- پاسخگویی نسبت به درآمد دولت از محل مالیات‌ها و منابع دیگر، ۴- پاسخگویی در مقابل سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و جذب سرمایه‌گذاران، کمک می‌کند.

عناصر نظام آموزش در علوم مالی

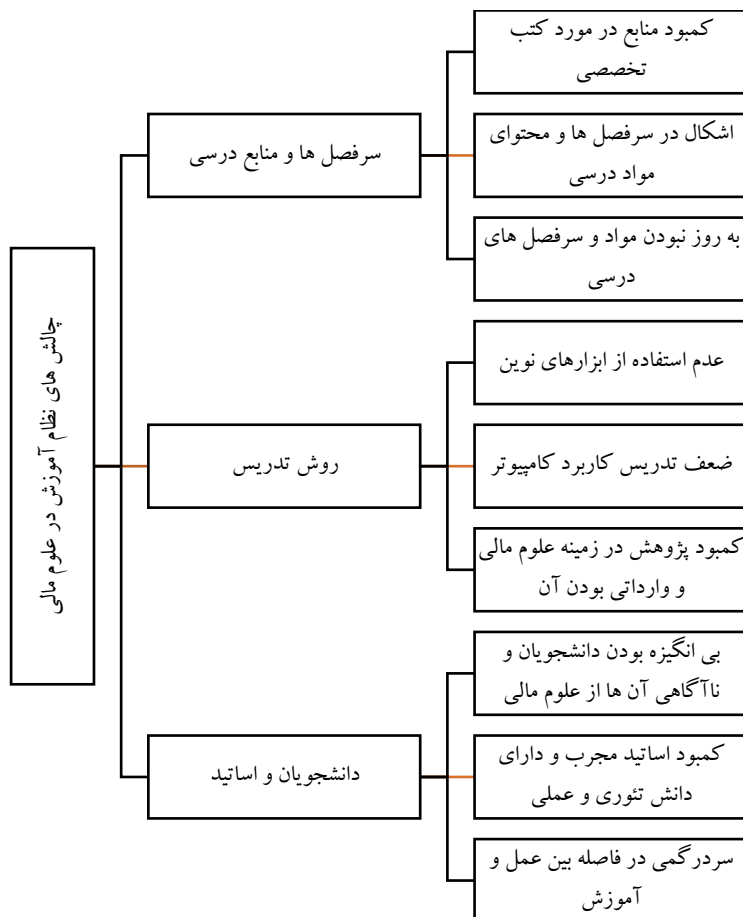
ارزیابی کارایی آموزش برای تمام کشورها اعم از توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته حائز اهمیت است. لذا ارائه راه‌حل‌های ممکن برای مسأله کارایی، باید به یک اولویت برای مؤسسات و افراد صاحب نظر، تبدیل شود، چرا که حذف موانع پیش روی سیستم کارآمد آموزش جهت آموزش افراد به طریقی مناسب‌تر، امری ضروری است (ایزدنیا و معصومی خانقاه، ۱۳۸۹). تعدادی از عناصر سیستم نظام آموزش در علوم مالی عبارت از: ۱- محیط، ۲- تأثیر متقابل حرفه و آموزش، ۳- برنامه درسی، ۴- اساتید و مدرسین، ۵- دانشجویان، ۶- منابع درسی و سایر امکانات آموزشی و ۷- ابزارهای کمک آموزشی می‌باشد (همان). در شکل شماره ۱ عناصر نظام آموزش در علوم مالی نشان داده شده است.



شکل شماره ۱: عناصر نظام آموزش در علوم مالی

چالش‌های نظام آموزش در علوم مالی

نظام آموزش علوم مالی دارای مشکلاتی می‌باشد که در نتیجه آن نتوانسته است به اعتلاء و رشد این حرف کمک شایانی نماید. برای تسریع و تسهیل فراوان در آموزش و یادگیری و همچنین ارتقای سطح مدیریت اثربخش نظام آموزش علوم مالی و همچنین تغییر و تحول در مفاهیم و مبانی بسیار متداول در نظام آموزش علوم مالی سنتی، باید موانع و چالش‌های نظام آموزش در علوم مالی را شناخت و در مسیر رفع این موانع و چالش‌ها، گام‌هایی اساسی برداشت. شیپوریان و دیگران (۱۳۸۷) و جاوید و میهمی (۱۳۸۹) در مطالعات خود به بررسی چالش‌های نظام آموزش در علوم مالی پرداختند و هر کدام موانعی را مطرح کردند، که این مطالعه در یک جمع‌بندی کلی، در شکل شماره ۲، چالش‌های نظام آموزش در علوم مالی را با توجه به این مطالعات، نشان می‌دهد.



شکل شماره ۲: چالش‌های نظام آموزش در علوم مالی

ضرورت بازبینی و تغییر نظام آموزش در علوم مالی

با ارتقای سطح دانش، آموزش و پژوهش در علوم مالی، توان حرفه‌ای شاغلین در حرف علوم مالی با استفاده از پیشرفت‌های علوم مالی، موجب می‌گردد تا عرضه اطلاعات به صورت مطلوب‌تر فراهم آید. آل رشیدی (۱۳۹۱) در مطالعه خود بیان می‌دارد، داشتن آموزش کافی و مناسب و انجام کارآموزی پیش از ایفای نقش حرفه‌ای و برخورداری از آموزش پیوسته در مسیر کار حرفه‌ای، همه آن چیزی است که برای ایجاد و حفظ شایستگی، اجازه انجام کار حرفه‌ای و با کیفیت و مهم‌تر از آن انجام درست کار و در خدمت منافع عمومی بودن را می‌دهد. خواجه‌وی و منصوری (۱۳۹۰) به این

نتیجه رسیدند که یک دانش آموخته در علوم مالی باید از طریق کسب دانش و یادگیری در زمینه استفاده از سیستم‌های حسابداری و نیز مدیریت این سیستم‌ها، در دنیای امروز قادر باشد، در هنگام تحولات و تغییرات سازمان به نقش خود در سیستم ادامه دهد. همچنین بیان داشتند که، باید با توجه به نیازهای آموزش در انتخاب رویه‌ها و مسیر پژوهش و تعیین اولویت‌های آموزش، پژوهش‌ها را برنامه‌ریزی و هدایت نمود. در یک جمع‌بندی کلی با توجه به مطالعات انجام پذیرفته در این حوزه می‌توان چنین اذعان نمود که تغییراتی که در محیط بازار (در عمل) در حال اتفاق افتادن است به نسبت شدیدتر از تغییراتی است که در محیط آموزش رخ می‌دهد به بیان دیگر تغییراتی که در دنیای تجارت رخ داده است، نیازمند افزایش سطح کیفی و بهبود آموزش علوم مالی است و این امر مستلزم افزایش سطح دانش و بهبود وضعیت آموزش و مهارت‌های دانشجویان علوم مالی است، چرا که امروزه سطح دانش دانشجویان علوم مالی با انتظارات و نیازهای محیط بازار، هماهنگ نمی‌باشد. از طرفی نیز با توجه به همگرایی استانداردهای مالی، آموزش علوم مالی باید به سمت تأکید کردن بر درک اقتصادی و راهبردی معاملات حرکت کند. بدین ترتیب در نهایت، امکان پذیرش و اجرای استانداردهای حسابداری بین‌المللی و استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی و مواجهه شدن با محیط مقرراتی در آینده فراهم خواهد شد (کارمونا و ترمبتا؛ ترجمه: غلامزاده لداری و دیگران، ۱۳۹۰).

جایگاه پژوهش در آموزش علوم مالی

خواجوی و منصوری (۱۳۹۰) در مطالعه خود بیان نمودند که، بهبود کیفیت اطلاعات برای افراد و مجموعه تصمیم‌گیرندگان نیازمند پژوهش در مورد ساختارهای اندازه‌گیری استاندارد جایگزین است، و دانشگاهیان نمی‌توانند بدون کمک دست‌اندرکاران حرف علوم مالی، این کار را انجام دهند، و از طرف دیگر، دست‌اندرکاران حرف علوم مالی نیز نمی‌توانند بدون کمک دانشگاهیان در اجرای پژوهش مناسب، دقیق و قابل اطمینان، کاملاً موفق باشند. لذا نقش والای پژوهش در علوم مالی ضرورت توجه بیشتر به اهمیت، جایگاه و تقویت عوامل بهره‌وری پژوهش را ایجاب می‌نماید. رهنمای رودپشتی و دیگران (۱۳۸۹) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که، مطالعات علوم مالی می‌تواند، یکی از عوامل مهم در پیشرفت آموزش و حرف علوم مالی باشد، چرا که، تئوری‌های علوم مالی باید به اندازه کافی قوی و مستحکم باشد، تا مبنایی فراگیر برای تبادل اطلاعات رویدادهای اقتصادی فراهم آورد و بصورت منطقی با تصمیم‌هایی که امروزه یا در آینده اتخاذ می‌شود، مرتبط باشد.

نگاهی اجمالی به نظام آموزش در علوم مالی در ایران

آموزش شاغلین حرف علوم مالی آینده و نقش و مشارکت مؤثر آن‌ها در فراهم آوردن اطلاعات مالی دقیق، قابل اتکا و قابل اعتماد، و تجزیه و تحلیل این اطلاعات برای توسعه پایدار در کشور در حال توسعه‌ای همچون ایران، اهمیت فراوانی دارد. مطالعات پیشین در این زمینه، به این نکته اشاره دارد که نظام‌های آموزشی و حرفه‌ای علوم مالی اغلب کشورهای در حال توسعه به تقلید از کشورهای توسعه یافته بوجود آمده است. لذا باتوجه به این مهم که منابع درسی و منابع انسانی متخصص واجد شرایط برای تدریس در کشورهای در حال توسعه کم است، تربیت و آموزش دانشجویان علوم مالی به طور ناقص به اجرا درآمده و دانش، دانش‌آموختگان علوم مالی در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته در شرایط مشابه، کمتر می‌باشد. با توجه به مطالب مطروحه در یک جمع‌بندی می‌توان پیشنهاد کرد که از طریق برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های تخصصی، ایجاد دوره‌های کارآموزی ضمن تحصیل برای ارتباط بین آموزش و عمل، ارتباط با دانشگاه‌های معتبر خارجی و استفاده از شخصیت‌های متخصص ایرانی ساکن در کشورهای خارجی و همچنین معرفی علوم مالی و ایجاد انگیزه در دانشجویان و بالابردن سطح و امکانات آموزشی و تغییر و بازنگری در نظام آموزشی و... می‌توان جایگاه نظام آموزش در علوم مالی در ایران را ارتقا بخشید.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب مطروحه می‌توان نتیجه گرفت که مشکل کمبود اطلاعات مالی لازم جهت تجزیه و تحلیل طرح‌های توسعه اقتصادی، منوط به ارتقاء کمی و کیفی آموزش علوم مالی می‌باشد، چرا که کشورها از طریق شناسایی مشکلات و موانع آموزش علوم مالی می‌توانند به کمک متخصصان حرفه‌ای راه‌حل‌های مناسبی را طراحی کنند و به اجرا درآورند. لذا، برای توسعه نظام آموزش در علوم مالی، رسالت دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی این است، تا علاوه بر آموزش مباحث نظری به دانشجویان، آن‌ها را با مسائل اقتصادی جاری در سطح داخلی و بین‌المللی، و مسائل مربوط به اخلاق حرفه‌ای آشنا نمایند، همچنین دانشگاه‌ها باید همواره بر بهبود و تغییر روش‌های آموزش، همان‌گونه که جوامع حرفه‌ای تأکید کرده‌اند، تمرکز داشته باشند. و همچنین با توجه به بحث پذیرش و اجرای استانداردهای

حسابداری و گزارشگری مالی بین‌المللی می‌باید از آموزش قواعد و ضوابط موقتی و تئوری پردازی به سمت درک اقتصادی و راهبردی حرکت نمایند.

منابع

۱. آل‌رشیدی، فاطمه. (۱۳۹۱). "ضرورت ارتقای کیفیت آموزش حسابداری". حسابرس. مهر و آبان. شماره ۶۱. صص ۱۱۹-۱۱۷.
۲. اس، کارمونا؛ ام، ترومبتا. (۱۳۹۰). "حسابداری مالی؛ همگرایی استانداردهای حسابداری مالی و نیاز به آموزش حسابداری مفهوم محور". ترجمه: غلامزاده لداری، مسعود؛ دزواره، محدثه؛ ظهیرالدینی، نیلوفر. حسابدار. آبان ماه. شماره ۲۳۶. صص ۶۹-۶۴.
۳. جاوید، داریوش؛ میهمی، بهرام. (۱۳۸۹). "نقش فناوری اطلاعات در کارآمدی نظام آموزش حسابداری (حسابداری مدیریت)". همایش منطقه‌ای بررسی راهکارهای ارتقاء مباحث حسابداری مدیریت در صنعت. ۵ اسفندماه. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد دورود.
۴. خواجهی، شکراله؛ منصوری، شعله. (۱۳۹۰). "ترکیب بهینه تدریس و پژوهش: تحول لازم در آموزش حسابداری". دانش حسابرسی. تابستان. شماره ۴۳. صص ۸۱-۶۹.
۵. ستایش، محمدحسین؛ منصوری، شعله. (۱۳۹۱). "بررسی راهکارهای ایجاد همسویی میان محتوای آموزش حسابداری با ضرورت‌های محیط کسب‌وکار". مطالعات تجربی حسابداری مالی. بهار. شماره ۳۳. صص ۳۸-۱۹.
۶. شیپوریان، سعید؛ شهسوار، مهناز؛ بیوتی قویی، مهری. (۱۳۸۷). "بررسی ارتباط آموزش و حسابداری". همایش تغییرات و ضرورت‌های حسابداری و حسابرسی در دو دهه اخیر. ۱۴ و ۱۵ اسفند ماه. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد مرند.
۷. رهنمای رودپشتی، فریدون؛ وکیلی‌فرد، حمیدرضا؛ رئیس‌زاده، سیدمحمدرضا. (۱۳۸۸). "تعیین اولویت‌ها و نیازهای آموزشی محتوای دروس حسابداری از دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه، شاغلین در حرفه و ارائه الگوی مؤثر". تحقیقات حسابداری. شماره ۴. صص ۹۷-۷۸.
۸. رهنمای رودپشتی، فریدون؛ طاهرآبادی، علی‌اصغر. (۱۳۸۹). "مشکلات تعامل بین تحقیقات آموزش و حرفه حسابداری و ارائه یک الگوی جدید". دانش و پژوهش حسابداری. شماره ۲۱. صص ۶۵-۱۲.